

# در معرفی کتاب

(تحولات دوران ما، مبارزه طبقاتی و چشم انداز سوسیالیستی)

بهرام رحمانی

سیستم سرمایه داری، عامل اصلی کلیه مصائب و مشکلات انسان ها و منشا فقر و فلاکت، تبعیض و نابرابری، ستم بر زنان، عدم رشد و شکوفایی طبیعی کودکان، سرکوب و اختناق سیاسی و اجتماعی، جهل و خرافات ملی و مذهبی، عقب ماندگی اقتصادی و فرهنگی، دزدی و فساد، ترور و جنایت، بیکاری و ناامنی اقتصادی، جنگ و خونریزی در کل جهان بشری است. از این رو تلاش برای تغییر جهان و خاتمه دادن به استثمار انسان از انسان، امید و آرزوی همیشگی انسان ها در طول تاریخ بشری بوده است. تاریخ کلیه جوامع بشری، تاریخ مبارزه و تقابل و کشمکش طبقاتی است. در این میان جنبش کمونیستی و کارگری، جنبشی برای پایان دادن به هر گونه ستم ملی و جنسی بورژوازی و برپایی جامعه ای آزاد، برابر، انسانی، شاد و پرفراز است. بنابراین هر گونه تلاش عملی و نظری در راستای تقویت و شفاف کردن مبارزه طبقاتی جنبش کمونیستی و کارگری، تلاشی بس ارزنده و قابل ستایش است.

همان طور که از اسم کتاب برمی آید، رفیق جابر کلیبی نویسنده، کتاب «تحولات دوران ما، مبارزه طبقاتی و چشم انداز سوسیالیستی»، با تحلیل های اقتصادی و سیاسی و فاکت های زنده تاریخی، تلاش ارزنده ای کرده است تا با نگاه کمونیستی به تاریخ جوامع بشری و انقلابات جهانی، به ویژه انقلاب عظیم کارگری سوسیالیستی اکتبر ۱۹۱۷ روسیه، راه تحولات اقتصادی، سیاسی، اجتماعی و فرهنگی در دوران حاضر را دنبال کند. همچنین با استفاده از تجارب تاریخی سوسیالیسم علمی در کشورهای دیگر، بر روند مبارزه طبقاتی ضد سرمایه داری جنبش کارگری تاکید نماید. از این رو کتاب یاد شده رسالت تاریخ نگاری ندارد، بلکه با هدف روشنگری و هموار ساختن راه روند مبارزه طبقاتی نگاشته شده است.

این کتاب هر چند که مطالب متنوعی را در برمی گیرد، اما بدون این که از موضوع اصلی خارج شود، مسایل اقتصادی و سیاسی را به طور پیوسته دنبال می کند.

از سوی دیگر معرفی این کتاب چندان سهل نیست، زیرا هر کدام از موضوعاتی که در این کتاب مورد تحلیل و بررسی قرار گرفته اند، یکی پس از دیگری مهم و قابل تعمق است، اما با این وجود به چند فاکت در معرفی این کتاب اشاره کنیم و امیدواریم علاقه مندان زیادی با دقت این کتاب جالب را با دید نقادانه بخوانند. زیرا در نقد سیاسی اصولی و رقیقانه است که اشکالات نظری و عملی مبارزه

طبقاتی کارگران علیه سیستم سرمایه‌داری صیقل پیدا می‌کند و شفافیت بیش‌تری به خود می‌گیرد. براین اساس نقد آن را به فرصت دیگری واگذار می‌کنم.

در سرآغاز این کتاب می‌خوانیم: «کتابی که در دست دارید «تحولات دوران ما، مبارزه طبقاتی و چشم‌انداز سوسیالیستی» شامل موضوع‌هایی است که در دروان‌های مختلف برای پاسخ‌گویی به مسائل روز نگاشته شده‌اند. گردآوری آن‌ها در یک جلد به دلیل مضمون هم‌سنخ و اهداف هم‌سانی است که در همه آن‌ها دنبال می‌شود. در کل می‌توان محتوای مقالات را به دو بخش تقسیم کرد: بخش مربوط به مسائل جنبش کمونیستی و بخش مربوط به شیوه تولید، بحران‌ها و معضلات سرمایه‌داری که این دو مقوله در عین حال مقوله‌های متضاد یک نظام اجتماعی، یعنی نظام سرمایه‌داری‌اند. این رو، همان‌طور که خواننده متوجه می‌شود در هر دو زمینه سخن از مبارزه طبقاتی در روند تکامل سرمایه‌داری است...».

در این کتاب علاوه بر این که تحلیل نقد سرمایه‌داری با اتکا به متد مارکس، صورت می‌گیرد، اما یکی از مسایل مهم تاریخی پرداختن به انقلاب اکتبر ۱۹۱۷ روسیه و تحلیل همه جانبه این انقلاب است.

در حقیقت انقلاب اکتبر، جهان را تکان داد. بنابراین نگرش به پیروزی این انقلاب و شکست آن چگونه، به چه دلیل و از چه تاریخی آغاز می‌شود، جهت‌گیری آینده تحلیل‌کننده را درباره انقلاب اکتبر نیز به نمایش می‌گذارد. گرایش‌های مختلفی که خود را کمونیست می‌نامند، نسبت به وقایع سال‌های پس از انقلاب اکتبر و این که از چه تاریخی و به چه دلایلی انقلاب کارگری سوسیالیستی از مسیر خود خارج گردید و سرمایه‌داری دولتی حاکم شد، دیدگاه‌های متفاوتی دارند. برخی شکست انقلاب اکتبر را در دهه ۳۰، برخی دهه هفتاد «انحرافات» را در «اردوگاه سوسیالیسم» کشف می‌کنند، اما کماکان به شوروی به عنوان اردوگاه سوسیالیسم می‌نگرد.

اما تحلیل‌های عمیق‌تر تاریخی و طبقاتی نشان می‌دهند که انقلاب اکتبر، شوراها و بستن راه پیشروی طبقه کارگر به سوی جامعه کمونیستی و لغو ماکیت خصوصی و کار مزدی، چند سال بعد از انقلاب اکتبر آغاز می‌شود و در واقع در سال‌های ۱۹۲۸، سرمایه‌داری دولتی و اختناق سیاسی، با به شکست شکاندن دستاوردهای انقلاب، موقعیت خود را تثبیت می‌کند.

در کتاب «تحولات دوران ما، مبارزه طبقاتی و چشم‌انداز سوسیالیستی» آمده است: «پس از شکست قطعی انقلاب اکتبر در سال‌های ۳۰ و تحکیم و توسعه نفوذ حزب و دولت شوروی که به بهای از میان رفتن قدرت شوراها و برقراری یک نظام پلیسی حزبی گردید، در نتیجه‌ی توقف روند شرکت مستقیم توده‌های کارگر و زحمت‌کش در حیات اقتصادی و سیاسی جامعه، دست‌آوردهای اجتماعی (سوسیالیستی) به تدریج و به بهانه‌های گوناگون از میان رفت. علل اصلی شکست انقلاب

اکتبر در این سال‌ها را باید در عوامل داخلی و خارجی جستجو کرد... در مقیاس جهانی نیز عوامل نامساعدی از قبیل شکست پیاپی انقلابات کارگری در آلمان، در سال‌های ۲۳ - ۱۹۱۸، شکست انقلاب در مجارستان در همین سال‌ها و سپس ناکامی جنبش کارگری در انگلستان، فرانسه و...، تاثیر مخرب خود را بر روند مبارزه طبقاتی در شوروی گذاشت. این‌ها همه انقلاب اکتبر را در تنگنا قرار داد و کمک زیادی به رشد و تحکیم انحرافات و عقب‌نشینی‌های سیاسی و برنامه‌ای بلشویک‌ها نمود... شکست انقلاب اکتبر، طبعاً در همه زمینه‌ها بر مبارزه طبقاتی پرولتاریا اثر سوء گذاشت و آن‌چه پس از آن، از سال‌های ۳۰ به این طرف در جنبش کارگری رخ می‌دهد چیزی جز محصول این شکست نیست. در چنین بستری است که اتحاد شوروی، به عنوان «رهبر» جنبش کارگری و کمونیستی به تکامل سیاسی و اقتصادی خود ادامه داد و نزدیک به ۷۰ سال سلطه خود را به مبارزه طبقاتی پرولتاریا و جنبش‌های انقلابی ضد سرمایه‌داری تحمیل نمود که در بسیاری موارد با سرکوب خشن نیروهای انقلابی و کمونیست‌هایی که نسبت به سیاست و اهداف دولت شوروی موضعی انتقادی داشتند، همراه بود...». (ص ۴۳ و ۴۴)

نویسنده تاکید می‌کند: «در حقیقت، تحلیل و نقد اقتصاد قدرت رابطه‌ای اجتماعی است و پیوسته از طریق نبرد طبقاتی در حال دگرگونی و تغییر است، باید این را پذیرفت که پرولتاریا رهایی خود را تنها در مبارزه علیه بورژوازی و نظام سرمایه‌داری می‌تواند کسب کند. در این نبرد است که پرولتاریا به خود می‌آید، دشمن طبقاتی و نظام استثمارگر را بهتر می‌شناسد و خود را برای اداره نظام آینده مجهز می‌کند و به تدریج تناسب نیرو را به سود اهداف انقلابی خود تغییر می‌دهد. اتحاد و سازمان‌دهی طبقه کارگر در این روند است که تحقق می‌یابد...». (ص ۴۴ و ۴۵)

«در حقیقت، در جامعه سرمایه‌داری تنها دو طبقه وجود دارند که موقعیت اجتماعی آن‌ها امکان می‌دهد تا فعالیت‌های اصلی اقتصاد جامعه را هدایت کنند: پرولتاریا و بورژوازی! تنها این دو طبقه هستند که دارای امکانات مادی برای اداره روند تولید شرایط مادی زندگی می‌باشند. راه حلی که بورژوازی برای خروج از بحران می‌تواند ارائه دهد، راه حلی در چارچوب نظام سرمایه‌داری، با حفظ مالکیت خصوصی بر وسایل تولید است... در مقابل اما، پرولتاریا که خود متشکل از خصلت اجتماعی تولید است، تنها راه رهایی آن از یوغ استثمار، فقر و بی‌کاری، آزاد ساختن جامعه و اجتماعی کردن وسایل تولید می‌باشد...». (ص ۹۷ و ۹۸)

نویسنده، در بخش‌های پایانی کتاب «تحولات دوران ما، مبارزه طبقاتی و چشم‌انداز سوسیالیستی»، در مطلب کوتاهی تحت عنوان «وضعیت عمومی جنبش کارگری و کمونیستی ایران»، می‌نویسد: «از طرف دیگر راه خروج جنبش کمونیستی و کارگری ایران از نابسامانی‌های کنونی تنها از طریق یک سمت‌گیری طبقاتی جهانی در مبارزه علیه رژیم‌های حاکم در ایران و منطقه، امکان‌پذیر است. اگر

بپذیریم که منطقه خلیج و خاورمیانه، یکی از مناطق بحرانی و تعیین کننده‌ی جهان است و ایران با توجه به موقعیت ژئوپولیتیکی و استراتژیک آن در منطقه و در رابطه با اهداف امپریالیستی، از شرایط ویژه‌ای برخوردار است، پس هر تحولی که در ایران انجام بگیرد ناگزیر ابعادی منطقه‌ای و حتا جهانی خواهد داشت...». (ص ۲۱۹)

ناشر این کتاب، انتشارات سنبله در آلمان است. علاقه‌مندان برای تهیه آن می‌توانند با امیل آدرس انتشارات سنبله «[goftgooha@web.de](mailto:goftgooha@web.de)» تماس بگیرند.

کتاب یاد شده به نظرم در ردیف ادبیات کمونیستی و کارگری قرار دارد. زیرا که نویسنده آن به عنوان یک فعال جنبش کمونیستی کارگری، تلاش کرده است تا با صداقت و خلوص نیت به دفاع از جنبش کمونیستی کارگری برخیزد و به روند مبارزه طبقاتی یاری رساند. جا دارد که در همین جا برای رفیق جابر و همچنین انتشارات سنبله، موفقیت هر چه بیش‌تری را آرزو کنم و امیدوارم هم‌چنان در راه آرمان‌های مشترک مان، یعنی باورهای کمونیستی مان و باور به این که با مبارزه پیگیر و مداوم طبقاتی علیه سیستم سرمایه‌داری و با انقلاب اجتماعی می‌توان جامعه‌ای انسانی و مرفه برپا کرد، کوشا و متحد باشیم.

با امید و باور به این که جنبش کارگری کمونیستی ایران، در پرتو انترناسیونالیسم پرولتری، با سرنگونی جمهوری اسلامی و برپایی حکومت کارگری، یعنی حکومتی که به کلیه ستم‌ها، محرومیت‌ها و مشقت‌های بورژوازی خاتمه دهد و جامعه‌ای درخور و شایسته انسان‌های آزاد، برابر، شاد و پررغاب بسازد و تاثیر اقتصادی، سیاسی، اجتماعی و فرهنگی خود را نیز در جهت تغییر جهان و منطقه بگذارد.

۱۸ اکتبر ۲۰۰۳